اقتصاد مقاومتی و مسئله مبارزه با فساد اقتصادی در گفت‌وگوی «جوان» با سلیمی‌نمین

دولت‌ها در مبارزه با فساد زیاد شعار می‌دهند

عکس: حمیدرضا نیک‌عهد/ جوان

■ نسیبه زمانیان- کبری آسوپار

شکی نیست که فساد اقتصادی راه را بر اقتصاد مقاومتی می‌بندد و البته این تنها یکی از آسیب‌هایی است که فساد اقتصادی بر کشور و جامعه وارد می‌کند. با دکتر عباس سلیمی نمین در سالی که اقتصاد مقاومتی بر عنوان آن نقش بسته، در باب فساد اقتصادی و مبارزه با آن صحبت کردیم و این میانه صحبت‌هایی شد از اینکه دولت‌ها و احزاب اطلاعات در مورد فساد اقتصادی اعضای یکدیگر را دستاویز فشار سیاسی می‌کنند. صحبت‌هایی در مورد نحوه عملکرد دستگاه قضایی و عدم حمایت آن از افشاگران مفاسد اقتصادی و موضوعاتی پیرامون کم کاری خبرنگاران و رسانه‌ها در مبارزه با فساد اقتصادی و تأکید بر پاک‌دستی مسئولان درجه اول کشور که در جهان جزو استثنائات محسوب می‌شود و البته اسم‌هایی هم به میان آمد؛ غلامحسین کرباسچی، مهدی هاشمی، محمدرضا رحیمی، سعید مرتضوی، عبدالله جاسبی و... رؤسای جمهور اسبق و سابق و کنونی.

مقام معظم رهبری امسال را سال «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» نامگذاری کردند؛ دلیل تأکید رهبری بر اقتصاد مقاومتی چیست؟

اقتصاد می‌تواند زمینه وابستگی‌های بسیار عمیقی را ایجاد کند. دولت طرفدار صهیونیسم (امریکا) فکر می‌کرد پس از برجام می‌تواند زمینه‌هایی را برای خود در ایران ایجاد کند و در عرصه اقتصاد شرایطی را به وجود آورد که بتواند به عنوان عامل فشار سیاسی عمل کند و ما وادار به تعلیق مواضع سیاسی خود بشویم؛ تأکید رهبری بر این مسئله دقیقاً بر اساس شناخت این هدف بود. اقتصاد مقاومتی می‌تواند کاملاً هدف غرب را مهار و تلاش آنها را خنثی کند.

و واقعاً کار اصولی در این زمینه انجام می‌شود؟

اینکه چقدر در این وادی کار اصولی صورت می‌گیرد، محل تردید جدی است. زیرا در شرایط کنونی و به‌رغم تأکیدات رهبری، جریانات بیرونی تلاش جدی‌تری را برای مصرف‌زدگی بر اساس کالاهای خارجی در ایران پیگیری می‌کنند و ما در این وادی خیلی دقیق و همه‌جانبه کار نمی‌کنیم. در حال حاضر بسیاری از شرکت‌های خارجی تسهیلاتی را برای مصرف کالاهای خود می‌دهند که این تسهیلات طبیعتاً گرایش به تهیه تولیدات آنها را در جامعه فراهم می‌کند. در واقع به صورت وام با بهره بسیار پایین که ما حتی در کشاورزی هم نمی‌توانیم از این وام‌ها به کشاورزان خود دهیم، مصرف‌کنندگان ایرانی را به خرید کالای خارجی تشویق می‌کنند. طبیعتاً این برای اقتصاد مقاومتی مشکل ایجاد می‌کند و باعث رکود در کشور می‌شود. البته بنده در این وادی‌ها نمی‌توانم اظهارنظر دقیق داشته باشم اما با مطالعه مصرف‌زدگی جامعه شاهد هستیم که هدایت دقیقی در این وادی‌ها وجود ندارد.

یکی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی شفاف‌سازی است که این عدم شفاف‌سازی از سوی مسئولان باعث همراه نشدن مردم در بحث اقتصاد مقاومتی شده است؛ در واقع به جای شفاف‌سازی، بحث فسادهای اقتصادی به ابزاری سیاسی در دولت‌های مختلف مبدل شده و هر دولتی به منظور محکوم کردن دولت قبل از فسادهای موجود گذشته پرده برمی‌دارد. مثلاً وقتی از وزرای دولت درخواست اعلام لیست اموال می‌شود، آنها از این مسئله سر باز می‌زنند و با صراحت اموال خود را اعلام نمی‌کنند تا مردم از دارایی‌های آنها آگاه شوند این یکی از کارهایی است که باعث عدم شفاف‌سازی می‌شود اما وقتی صحبت از تخلفات دیگران است همه در صف اول قرار می‌گیرند؛ به نظر جنابعالی چه راهکارهایی باید برای شفاف‌سازی صورت گیرد؟

من از انتهای سؤال شما آغاز می‌کنم اگر کسی بر اساس قانون اموال خود را اعلام نکرده، این ساز و کار دارد؛ دستگاه قضا برای واداشتن یک مسئول که طبق قانون باید میزان اموال خود را مشخص کند، ابزار لازم را دارد که برخورد کند. لذا قوه قضائیه در این زمینه مسئول است و باید دید در این زمینه چه اقداماتی را صورت داده است.

اینکه چرا دولت‌ها در مقام بیان تخلفات دولت قبلی خود برمی‌آیند اما کاری به واقع صورت نمی‌گیرد باید با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد؛ اطلاعات، ابزار قدرت است. زمانی که ما اطلاعاتی راجع به فردی داریم، این آگاهی برای ما قدرت تولید می‌کند و گاهی از این قدرت به نفع جامعه بهره گرفته می‌شود و گاهی هم به نفع شخصی. وقتی دولتی روی کار می‌آید، از دولت گذشته اطلاعاتی را به دست می‌آورد، می‌تواند این اطلاعات را به گونه‌ای تجزیه و تحلیل کند، تا راهکارهای فساد را مسدود بسازد و قدرت مانور فوق قانونی دولت‌ها را کنترل کند. اما زمانی که دولت‌ها مستقر می‌شوند به تدریج مکانیسمی برای دور زدن قانون پیدا می‌کنند. این در حالی است که شاید در ابتدا انگیزه ناسالم برای برداشته شدن موانع و سرعت بخشیدن به کارها وجود نداشته باشد.

دولت اصلاحات تندترین شعارها را علیه مفاسد دولت آقای هاشمی داد؛ اما رویکردش این نبود که این اطلاعات برای ریشه‌یابی علل به قوه قضائیه و مراکز پژوهشی ارائه شود. زمانی که آقای هاشمی می‌خواست برای ریاست مجلس ششم برگردد، یکی از عناصر اصلی اصلاح‌طلب در آن دوران اعلام کرد اگر هاشمی روی کار بیاید، ما صندوق‌ها را باز می‌کنیم و این صرفاً در حد یک تهدید بود. اگر کتابی علیه هاشمی نوشته شده به حدی با ایما و اشاره نوشته می‌شود که اطلاعات اساسی به جامعه نمی‌دهد و فقط هدف این است که فرد مورد نظرشان را در جای خود بنشانند و به او این پیام را می‌رسانند اما به جامعه و کانون‌های ذی‌ربط که می‌توانند تخلف را دنبال کنند، اطلاعاتی داده نمی‌شود. طبیعی است که این کار نه تنها به یک سرانجام درستی نمی‌رسد، بلکه فساد را قدرتمندتر و شالوده آن را تقویت می‌کند و دلیل آن هم این است که در هر بار چرخش قدرت، وقتی به مکانیسم‌ها ضربه وارد نشود مکانیسم‌ها تقویت می‌شوند و در واقع به قدرت دولت‌ها افزوده نمی‌شود و فقط آن مکانیسم‌ها تجربه بیشتری پیدا می‌کنند. این مطلب در خصوص دولت آقای احمدی‌نژاد هم صادق است. او نیز شعارهای بسیار زیادی در خصوص فساد داد، اما هرگز در این وادی عمل نکرد. اخیراً شنیده‌ام آقای احمدی‌نژاد اسنادی در خصوص فساد اقتصادی به قوه قضائیه داده و این قوه عمل نکرده است، در حالی که آقای احمدی‌نژاد رسانه‌های مختلف دارد و اسناد را به مطبوعات دهد و آنها اسناد را منتشر کنند. کما اینکه بنده نیز این کار را انجام دادم. من تخلفات آقای جاسبی را به قوه قضائیه دادم، مدتی که از این قضیه گذشت و قوه قضائیه عمل نکرد، آن اسناد را در مطبوعات منتشر کردم و کسی هم به من ایراد نگرفت. اما آقای احمدی‌نژاد با وجود اینکه ابزار و امکاناتش در این وادی بسیار گسترده است، چنین کاری نمی‌کند. چطور در جاهای سیاسی شیوه‌های غیراخلاقی به کار می‌گیرد و در مجلس یک نوار را که سند هم محسوب نمی‌شود، پخش می‌کند، چون بحث قدرت مطرح است و آقای لاریجانی را برای خود رقیب می‌داند و به هر شیوه‌ای متمسک می‌شود، اما در خصوص مکانیسم فساد چنین کاری را انجام نمی‌دهد. بنابراین می‌خواهم بحثی در این وادی داشته باشم که ما متوجه این واقعیت باشیم اطلاعاتی که متوجه جامعه است به ابزاری علیه خود مردم تبدیل می‌شود. زمانی که اطلاعات به جامعه منعکس می‌شود سرمایه یک ملت محسوب می‌شود و زمانی که در صندوق‌ها قرار می‌گیرد علیه خود ملت می‌شود. این نیست که چون منتشر نمی‌شود آسیبی به ملت وارد نمی‌شود، نه، اینگونه نیست. ملت هزینه چرخش قدرت را پرداخت می‌کند تا مکانیسم‌های فساد فربه نشود؛ منقطع شود و استمرار پیدا نکند. ما هزینه چرخش قدرت را در بالاترین سطح پرداخت می‌کنیم و تلاطم‌ها و تنش‌های جدی وارد حیات سیاسی و اجتماعی مردم می‌شود. اما حاصل این پرداخت‌ها که باید در قالب اطلاعات و رشدیافتگی سیاسی باشد چشمگیر نیست. این موضوعات یک بحث جدی فارغ از بحث‌های جناحی و نگاه‌های محدود است و باید بسیار فراتر نگریسته شود. در بحث مقابله با فساد نگاهی برای استفاده از این ابزار علیه جناح‌ها نداشته باشیم.

ما شاهد این مسئله هستیم که دولت‌ها بسیار شعار می‌دهند کما اینکه این موضوع در دولت یازدهم هم صادق است. مطالب تبلیغاتی دولت یازدهم علیه دولت قبل چقدر زیاد است! اما برون داد آن چیست؟ کسی نمی‌تواند مدعی شود که قوه قضائیه خوب عمل نمی‌کند البته من نمی‌گویم قوه قضائیه خوب عمل می‌کند؛ قوه قضائیه با وجود در دست داشتن اسناد بسیار در خصوص دانشگاه آزاد و تحقیق و تفحص مجلس کاری انجام نداد. اما در برخی از جاها خوب عمل می‌کند و در برخی دیگر هم نه. دولت یازدهم نیز به طور جدی با فساد گذشته مقابله نمی‌کند چون فکر می‌کند اگر این کار را انجام دهد طرف مقابل هم وارد این جنگ می‌شود بنابراین اطلاعاتی که مراجع ذی‌ربط را بر فساد مسلط کند و ملت را از مبادی فساد آگاه، داده نمی‌شود.

اما به هر حال باید توجه کرد که در دولت آقای احمدی‌نژاد، رئیس دانشگاه آزاد پس از یک دوره طولانی مدت مدیریتی تغییر کرد...

دوستان آقای احمدی‌نژاد اگر می‌خواستند از فرصت دانشگاه آزاد برای بهبود مسائل کشور استفاده کنند بهترین فرصت را برای رو شدن یک حیاط‌خلوت داشتند تا مردم را متوجه کنند که چقدر حیاط‌خلوت‌ها فاجعه‌آمیز است. یک جریان سیاسی توانسته بود یک حیاط‌خلوت ایجاد کند و بزرگ‌ترین حیاط‌خلوت در کشور، دانشگاه آزاد بود. اموال عمومی در جایی بود که هیچ قاعده‌ای هم برای آن وجود نداشت. اما آقای احمدی‌نژاد در این خصوص چقدر سند رو کرد؟ بنده در آن زمان همه اسنادی که فراهم کردم یا از کانال مردم بود یا از تحقیق و تفحص مجلس هفتم. جریان آقای احمدی‌نژاد راجع به بزرگ‌ترین حیاط‌خلوت در ایران این کار را انجام نداد، چون تصور می‌کردند از این ابزار برای اهداف سیاسی خودشان استفاده کنند، چراکه آن ابزار قدرت بود و اگر مکانیسم این ابزار قدرت آشکار می‌شد، دیگر خودشان نمی‌توانستند استفاده کنند. آن ابزار قدرت که تا آن زمان در اختیار یک جریان قرار داشت، باید آنها را نیز تقویت می‌کرد. من به ضرس قاطع عرض می‌کنم یک سند بعد از رفتن آقایان به دانشگاه آزاد منتشر نشد. دلیل آن هم کاملاً روشن است. این مطلب تجربه بسیار مهمی برای مردم است تا بدانند آنها که صرفاً شعار می‌دهند نمی‌خواهند عمل کنند. چون عمل کردن راجع به فساد خیلی شعار نمی‌خواهد و به دور از هر شعاری می‌توان کشور را تقویت کرد و سلامت را به کشور برگرداند. البته اگر سلامت به کشور برگشته شود، کار بر خود فرد سخت می‌شود. در خصوص دانشگاه آزاد هم همین گونه بود و تصور آقای احمدی‌نژاد اینگونه بود که این ابزار تا به حال در اختیار آقای هاشمی بوده و از این بهره گرفته و اگر من بهره بگیرم تقویت‌کننده مهمی برای جریان من خواهد بود. به همین جهت آقای احمدی‌نژاد اصلاً وارد این وادی نشد.

به نظر می‌رسد در بحث مبارزه با فساد، قوه قضائیه نتوانسته توده مردم را اقناع کند شاید رسانه‌ها بعضاً شیطنت کردند و نگاه جناحی رسانه‌ها روی توده‌های مردمی که مخاطب آن رسانه هستند، تأثیرگذار بوده و مثال‌های متعددی می‌توان زد از جمله بحث آقای کرباسچی، البته نه اینکه بخواهیم مصداقی بحث کنیم. اما توده‌های اصلاح‌طلب خیلی او را به عنوان فردی با سابقه فساد اقتصادی نمی‌دانند و روز ۱۶ آذر شاهد بودیم که به عنوان یکی از سخنرانان حضور پیدا کرد و دانشجویانی که به عنوان قشر فرهیخته شناخته می‌شوند پای سخنرانی او سوت و کف زدند. از سوی دیگر در خصوص شهرام جزایری پس از آزادی، تعاریفی از پیچ اینستاگرام او وجود دارد که از او مشاوره اقتصادی گرفته می‌شود و حتی بعضاً این طنزها در فضای مجازی از روز بعد از ۱۶ آذر بود که مثلاً چند سال بعد می‌بینیم آقای مهدی هاشمی به عنوان یکی از سخنرانان در دانشگاه حضور خواهد داشت و شاید هم اکنون در اوین نطق‌های بعد از آزادی خود را می‌نویسد تا پای صحبت‌هایش سوت و کف بزنند و اهمیتی ندارد که این آدم برای چه در زندان بوده است و پول‌های برداشته شده حق افرادی بوده که الان پای سخنرانی‌اش سوت و کف می‌زنند. به نظر شما چرا چنین اتفاقی رخ می‌دهد؟ در واقع حکومت نتوانسته قانع کند یا بحث جناحی و رسانه‌ای مطرح است که ما به اینجا می‌رسیم؟

در خصوص بحث چهره‌های متخلف باید توجه شود که چهره‌هایی که به جریان سیاسی مربوط و متخلف محسوب شده‌اند، از یک پشتیبانی برخوردار هستند. به ویژه اگر جریان سیاسی بحث عده و عده برایشان مهم باشد که هست، اگر برای آنها مسجل شود که فردی از آنها دارای لغزشی بوده، به خاطر اینکه می‌خواهند بر عده و عده خود بیفزایند هرگز فساد یکی از افراد مؤثر خود را نخواهند پذیرفت. این یک واقعیت تلخی است که در برخی از جریانات سیاسی پر رنگ و در برخی دیگر کمرنگ‌تر است. در جریان اصولگرا این قضیه کمرنگ‌تر است و جریانات اصولگرا در مقام دفاع جدی از عنصر لغزش‌یافته برنمی‌آیند. مثلاً وقتی آقای رحیمی دستگیر شد برخی از نیروهای اصولگرا از او حمایت کردند اما جریان کلی اصولگرا از او حمایت نکردند؛ اگر آقای رحیمی در جریان اصلاح‌طلب بود آنها تمام قد از او دفاع می‌کردند.

ما در جریان آقای رحیمی با این مسئله مواجه شدیم که مخالفت اولیه از سوی اصولگرایان بوده است مثل آقایان نادران، زاکانی و توکلی و در واقع عقلای این قوم مخالفت کردند...

همین‌طور است، اما متأسفانه افرادی مثل آقای تقوی و احمدی‌نژاد از رحیمی حمایت کردند. جریان اصولگرایی به خصوص عناصر برجسته آن که اهل پایبندی جدی به اصول و مبانی اعتقادی و اسلامی هستند در مقام دفاع برنمی‌آیند و برای آنها اصل، حزب نیست. اما برای برخی از جریانات حزب اصل است. در حال حاضر هم آقایان در خصوص آقای کرباسچی که تخلفاتش مسجل شد و در تلویزیون هم بذل و بخشش‌هایش از منابع عمومی را رسماً اعلام کرد و وقتی قاضی از او پرسید چرا فلان زمین را به فلان مسئول دادی؟ نگفت من ندادم، بلکه گفت به مسئولان باید رسیدگی شود و مایحتاجشان تأمین شود! در واقع بذل و بخشش‌های خود را پنهان نمی‌کرد و حتی از یک نگاه خاص مدیریتی دفاع می‌کرد که در چارچوب آن، بذل و بخشش‌ها صورت گرفته بود، در واقع نقطه مقابل نگاه و اندیشه امام(ره) در این دیدگاه دیده می‌شد. اصولگرایان در مجالس گذشته پیشتاز و پیشقراول مقابله با مفاسد برخی از نیروهای منتسب به خود بودند. اما آنچه که شما فرمودید در خصوص بعضی از مواردی که خارج از دایره احزاب بوده، در آنجا بعضاً قوه قضائیه خوب عمل کرده و در برخی از موارد دیگر اینطور نبوده است. نمی‌توان یک حکم کلی صادر کرد؛ قوه قضائیه اینگونه نیست که یکدست باشد. قوه قضائیه اختیارات فراوانی به قضات می‌دهد، اما آن تمرکز لازم وجود ندارد و اینگونه نیست که از بالا تا ذیل آن یک همبستگی سازمانی فوق‌العاده وجود داشته باشد، هر کس گرایش و فکر و خود را در قوه قضائیه دنبال می‌کند و این مسئله برای بنده نیز مشهود بوده است که یک بخشی از قوه قضائیه در مقام قضا تمایلات دیگری را دنبال کرده و این بحث مستقلی را می‌طلبد.

> **وقتی آقای رحیمی دستگیر شد برخی از نیروهای اصولگرا از او حمایت کردند اما جریان کلی اصولگرا از او حمایت نکردند؛ اگر آقای رحیمی در جریان اصلاح‌طلب بود آنها تمام قد از او دفاع می‌کردند**

آنچه شما اشاره کردید که جامعه را اقناع نکرده، بله درست است. یعنی از یک طرف جامعه شاهد مواردی است که این موارد خیلی سرانجام خوبی نداشته و از سوی دیگر تبلیغات جدی و پررنگ احزاب و گروه‌ها در دفاع از عناصر لغزش‌یافته خودشان تأثیراتی در اذهان می‌گذارد. در واقع هر انسان منصفی که پرونده مهدی هاشمی را مورد مطالعه قرار می‌دهد فارغ از بحث گرایش‌ها و تعلقات سیاسی او را یک عنصر متخلف می‌یابد؛ اما آنچنان هنرمندانه به این مطلب یک جنبه سیاسی می‌دهند که افراد دیگر آن اسناد را نمی‌بینند. البته کج‌سلیقگی طرف مقابل هم در این مسئله بی‌تأثیر نیست، در حقیقت برخی نقش مهدی هاشمی را در انتخابات ۸۸ پررنگ می‌کردند و زمانی که این نقش پر رنگ می‌شود، عده‌ای که هنوز در خصوص مسائل سال ۸۸ ذهنیت دارند، اصلاً نگاه نمی‌کنند که این فرد تخلف اقتصادی دارد یا نه، بلکه می‌گویند این هم یکی از یاران و همفکران ماست.

و لابد برخورد قضایی را هم پای تسویه‌حساب سیاسی می‌گذارند...

قطعاً همین‌طور است، حتی برخی از نیروهای اصولگرا هم به این ذهنیت کمک کردند و وقتی این ذهنیت شکل بگیرد طبیعتاً عملکرد خوب قوه‌قضائیه در این زمینه زیر سؤال می‌رود. در حالی که بسیاری از افراد در تظاهرات شرکت کردند و کسی دنبال آنها نکرد. اما تخلفات مهدی هاشمی در خصوص رشوه به گونه‌ای است که باید سال‌ها قبل از وقایع ۸۸ رسیدگی می‌شد و اصلاً به این مسئله ارتباطی نداشت و می‌بایست برای او مجازات سنگین‌تر از این هم در نظر گرفته می‌شد. اما چرا برخی از نیروهای اصولگرا این کج‌فهمی را داشتند و این جرم مهدی هاشمی را فساد اقتصادی نمی‌دانستند و بلکه آن را درگیری سیاسی عنوان می‌کردند؛ اختلافی بین دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا بود که در انتخابات ۸۸ بروز بیرونی داشت و او یکی از عناصر مؤثر آن جریان بود و برخی از اصولگرایان این نقش مهدی هاشمی را دلیل محاکمه فعلی دانستند. در این وادی توانمندی‌ای وجود دارد که تا حد زیادی می‌تواند عملکرد قوه قضائیه را در اذهان مخدوش کند. نمی‌توان با رسانه‌هایی که با پول و امکانات آنها در خدمت عناصر متخلف است، مقابله کرد این رسانه‌ها می‌توانند از چنین عناصری دفاع کنند...

به نظر می‌رسد به طور کل قانونی برای مبارزه با فساد اقتصادی وجود ندارد و مجلس باید وارد کار شود، در واقع این ضعف قانون است یا مجری قانون؟

ساختار قانونی همواره متناسب با تجربیات روز ما به وجود می‌آید در حالی که حیاط‌خلوت‌هایی که فساد را دنبال می‌کنند، هر روز یک شیوه جدیدی ابداع می‌کنند. اصلاً علت اینکه ما قانون را در ارتباط با سلامت جامعه کافی نمی‌دانیم و جامعه را به امر به معروف و نهی از منکر تشویق می‌کنیم، نشان می‌دهد که صرفاً قانون نمی‌تواند در این زمینه کاربرد مکفی داشته باشد. اسلام به امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌کند و امروز هم رهبری تأکید می‌کنند که جایگاه آن ضعیف نشده است. آنچه به نظر می‌رسد رسانه‌ها باید پیگیری کنند، فهم این مطلب توسط قوه قضائیه است. قوه قضائیه باید این مسئله را درک کند که حتماً باید ساختار امر به معروف در کشور و رسانه تقویت و تشویق شود. این قوه نباید خود را بی‌نیاز از اطلاعات مبادی مردمی و رسانه‌ای بداند. اگر کسی اطلاعات داد، حیات و زندگی‌اش دچار مشکل نشود، حتی اگر آن فرد در برخی از جاها اشتباه کرد، اما اگر انگیزه را سالم یافتند به آن فرد سخت نگیرند. بنده این مسئله را در قوه قضائیه نمی‌بینم در واقع اگر فردی برای کشف راهکارهای جدید آن حیاط‌خلوت‌ها تلاش می‌کند قوه‌قضائیه باید کمک او باشد.

کشف صدق نیت آن فرد واقعاً برای قوه‌قضائیه ممکن است؟

بله، ممکن است. اصلاً تعداد کسانی که در مطبوعات با فساد مبارزه می‌کنند، زیاد هستند؟

نه خیلی زیاد نیست...

شناخت آنها خیلی سخت است؟(می‌خندد)، نه اینگونه نیست. اگر مرکزی در قوه قضائیه باشد که این مسائل را رصد کند به راحتی به صدق نیت طرف پی می‌برد از مطالعه مقالات فرد می‌توان فهمید مسائل شخصی خود را دنبال می‌کند یا مسائل کشور را. کما اینکه یک فرد ساده هم می‌تواند کشف کند که آقای نادران از زمانی که با فساد درگیر شده مسائل شخصی خود را دنبال کرده یا برعکس، وقتی یک فرد ساده می‌تواند این موضوع را بفهمد قوه قضائیه نمی‌تواند؟! وقتی قوه قضائیه با آقای رحیمی در موضع معاون اول رئیس‌جمهور مقابله می‌کرد. رحیمی از زیر سؤال بردن مدرک دکتر توکلی تا انواع افترا به ایشان سر باز نزد. اما فردی مثل دکتر توکلی مقاومت می‌کند البته به لحاظ جسمی دچار مشکل می‌شود و کارایی‌اش کاهش پیدا می‌کند.

به هر حال امکان دارد بعضا افشای فساد توسط مرجعی غیر از قوه قضائیه، با انتقاد به این قوه هم همراه شود که چرا شما زودتر متوجه نشدید و از این رو ترجیح داده می‌شود به آن رسیدگی نکنند...

سعه صدر قوه قضائیه باید خیلی بالاتر از این حرف‌ها باشد.

من نمی‌خواهم عملکرد قوه قضائیه را توجیه کنم اما آنچه در ذهنم وجود دارد این است که شاید تهدیدات رئیس‌جمهور سابق مؤثر بوده تا قوه قضائیه به حلقه نزدیکان او وارد نشود، من نمی‌دانم اگر اینگونه می‌شد آقای احمدی‌نژاد می‌خواست چه کاری انجام دهد، اما با توجه به روحیه‌ای که از او سراغ دارم فکر می‌کنم شاید اتفاقات خوبی نمی‌افتاد. البته این راه اجرای عدالت نیست؛ در واقع معاون اول که جای خود دارد اگر شخص رئیس‌جمهور هم دچار فساد مالی شود، قوه قضائیه باید برخورد کند، اما شاید به دلیل مصالح نظام، قوه قضائیه محتاط عمل کرد.

من نمی‌گویم قوه قضائیه باید مستقیم عمل می‌کرد. منظور این بود که اگر دست کسانی که در رسانه‌ها مطالبی علیه آقای رحیمی منتشر کردند، بازتر بود و می‌توانستند در این وادی وظیفه خود را بهتر انجام دهند طبیعتاً آقای رحیمی بیشتر کنترل می‌شد. من قبول دارم یکی از ملاحظات جدی و قابل فهم قوه قضائیه واکنش‌های رئیس قوه مجریه بود. رئیس قوه مجریه برخلاف ادعاهای امروز، بارها اعلام کرد اینها خط قرمز من هستند و من تحمل نخواهم کرد و اصلاً قوه قضائیه نباید وارد شود. بله، من هم متوجه این ملاحظات هستم و اصلاً باید به این ملاحظات توجه شود چون قرار است کشور را اداره کنیم و قرار نیست آن را به هم بریزیم؛ دقت کنید کشور حتی با وجود اهمیت مبارزه با فساد اقتصادی، اما در عین حال باید به گونه‌ای باشد که نظم عمومی بر هم نریزد تا مبادا دشمنی که منتظر فرصتی برای وارد کردن ضربه نهایی است، از به هم ریختگی جامعه سوءاستفاده کند. اما وقتی رسانه‌ها وارد این قضیه می‌شوند، به قوه قضائیه ارتباطی پیدا نمی‌کند و آقای احمدی‌نژاد هم نمی‌توانست این را به حساب حکومت بگذارد، چراکه رسانه‌ها خود تخلفات آقای رحیمی را دریافتند. در چنین شرایطی باید توجه جدی صورت گیرد تا راه را در این وادی سخت نکنند اما متأسفانه برخی از قضات راه را بسیار سخت می‌کردند حتی در خصوص افرادی که نسبت به آقای رحیمی انتقاد داشتند. زمانی که آقای احمدی‌نژاد تهدید به بر هم زدن کشور می‌کند در واقع مسئله خودش مهم بود نه مسئله کشور. آقای احمدی‌نژاد به جای برخورد با تخلفات بقایی، ملک‌زاده و رحیمی مقابل قوه قضائیه گارد گرفت و از آنها دفاع کرد و طبیعتاً این ملاحظاتی را ایجاد می‌کند که قابل فهم است.

در بحث شکل‌گیری فساد، فرهنگ عمومی را تا چه حد مؤثر می‌دانید، گاهی گفته می‌شود فساد در میان مسئولان کشف می‌شود و به مردم تسری پیدا می‌کند، به نظر شما این به چه صورت است از بالا به پایین تسری پیدا می‌کند یا از پایین به بالا و به طور کل برای این فرهنگ عمومی چه باید کرد و اینکه اطلاع‌رسانی در خصوص فسادها به گونه‌ای شود مردم به طور عامیانه بگویند همه که از بالا کلان می‌خورند و این مقدار کم ما به جایی برنمی‌خورد...

در کشور ما نه از بالا و نه از پایین تسری پیدا نمی‌کند و بلکه از میانه است. در واقع ما حتی در خصوص ریاست‌جمهوری‌ها نمی‌توانیم ادعا کنیم که افراد آلوده‌ای بودند، گرایش‌های مختلف داشتند و ضعف‌های جدی در آنها دیدیم؛ اما هیچ کدام آلوده نبودند. اکنون نمی‌توانیم سندی در خصوص هیچ کدام از ریاست‌جمهوری‌ها بیاوریم که رشوه‌ای گرفته باشند. واقعاً رأس نظام به صورت استثنا در جهان امروز، پاک است. در حالی که در کشورهای دیگر فساد در بالاترین سطح انجام می‌شود و در رده‌های پایین دقت جدی انجام می‌شود تا هرگز فساد خودنمایی نکند. در کتاب خاطرات اکبر اعتماد نوشته شده وقتی ما می‌خواستیم در غنی‌سازی اورانیوم شریک شویم، یک میلیون دلار به رئیس‌جمهور فرانسه رشوه دادیم، یعنی چنین پولی رسماً از ما خواسته شد. این پول هرگز وارد فرانسه نمی‌شود و در جای دیگری واریز می‌شود. مدیریت میانی ما مشکل دارد که به مدیران عالی رتبه خدماتی می‌دهد و آنها به این خدمات دل می‌بندند. در حالی که باید ملت از رهبری سرمشق بگیرد که زندگی ساده‌ای دارند یا از ریاست جمهوری که سختی‌ها را تحمل می‌کند در قبال هیچ.

نکته دیگری که لازم است بگویم تنش‌های سیاسی کاذب است. روزنامه شما خوب است که جهت‌گیری سیاسی داشته باشد اما اگر تنش‌های سیاسی از حد خود فراتر رود تنش سیاسی کاذب می‌شود. در حال حاضر بین رسانه‌ها متأسفانه حساسیت اصلی مبارزه با فساد نیست اگر هم هست برای اینکه زیر خم جناح سیاسی مقابل را بگیرند و این یعنی انحراف اساسی. یکی از انحرافات اساسی که در حال حاضر ایجاد شده این است که دغدغه، زدن دولت است و در این دغدغه‌ها چه افرادی سود می‌کنند؟

مفسدین...

احسنت، شما تمام توان خود را می‌گذارید که جناح مقابل را بزنید و هدف جناح مقابل هم این است که شما را نزد مردم تخریب کند. اصلاً وارد این وادی نیستید که این مقابله حدی دارد و باید برای رقیب یک مقدار توان باقی بگذاریم. برای سلامت جامعه باید توان گذاشت؛ حتی در برخی از جاها با یکدیگر رقابت هم می‌کنند؛ اما گفته می‌شود مگر قرار نیست به این کشور خدمت کنید؟ برخی از جاها باید کار مشترک انجام داد. همان‌طور که رهبری گفتند در جناح‌های مختلف آدم‌های سالم وجود دارند کجا این آدم‌های سالم برای حفظ سلامت جامعه با یکدیگر ارتباط دارند؟ هیچ ارتباطی ندارند. در واقع طرف مقابل را شیطان مسلم می‌دانند. در حالی که شیطان مسلم که ریشه کشور را می‌جود عواملی است که بیشترین ارتباط را با جامعه دارند، در عرصه اقتصاد به صورت بسیار سازمان‌یافته واردات را تسهیل می‌کنند و مصرف کالای خارجی را تشویق می‌کنند آیا این اراده در نظام وجود دارد؟ نه، چرا باید در بین نیروهای رقیب سیاسی که در چارچوب نظام جمهوری اسلامی کار می‌کنند ارتباطی برای رفع چنین دغدغه‌هایی وجود نداشته باشد؟ این هم یکی از مشکلات جدی است که اجازه نمی‌دهد در مبارزه با فساد موفق شویم و برخی اگر هم فساد را پیگیری می‌کنند به دنبال پیدا کردن چیزی علیه رقیب هستند.